

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل ۱: کلیات پژوهش
۴	۱-۱ طرح مسئله
۴	۲-۱ مقدمه
۶	۳-۱ پرسش‌های پژوهش
۶	۴-۱ فرضیه‌های پژوهش
۷	۵-۱ ضرورت، هدف و نوآوری پژوهش
۹	۶-۱ روش پژوهش
۱۰	۷-۱ مبانی نظری پژوهش
۱۰	۱-۷-۱ تعریف برخی اصطلاحها
۱۱	۸-۱ طرح کلی پایان نامه
	فصل ۲: تعریف برخی مفاهیم
۱۳	۱-۲ مقدمه
۱۶	۲-۲ تحلیل انتقادی گفتمان
۲۰	۵-۲ دیدگاه و آرای برخی نظرپردازان
۲۱	۱-۵-۲ فوکو و دیدگاه گفتمانی وی
۲۶	۱-۵-۲ تحلیل انتقادی گفتمان از نظر فرکلاف

۲۸	۳-۵-۲ آرای زبان شناسی انتقادی هاج و کرس
۳۱	۴-۵-۲ تحلیل انتقادی گفتمان از نظر تتون وندایک
۳۲	۵-۵-۲ رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان از نظر پنی کوک
۴۲	۸-۲ سینما و پیشینه‌ی آن
۴۲	۱-۸-۲ تعریف سینما و فیلم
۴۳	۲-۸-۲ سینمای زن
۴۴	۳-۸-۲ سینمای زن در ایران
۴۵	۴-۸-۲ رویکرد فمینیستی به سینما
	فصل ۳: پیشینه‌ی عملی موضوع
۴۹	۱-۳ پیشینه‌ی عملی پژوهش
۵۲	۲-۳ پیشینه‌ی تحلیل و نقد فیلم «درباره‌الی»
۵۹	۳-۳ نگاهی به «درباره‌الی» از دید سایت‌های اینترنتی خارجی
	فصل ۴: تحلیل گفتمان فیلم
۶۲	۱-۴ مقدمه
۶۴	۲-۴ تحلیل گفتمان بر اساس تحلیل زبان‌شناسی
۶۵	۱-۲-۴ سطحی‌نگری
۶۵	۱-۱-۲-۴ متن شماره‌ی یک

۷۴	۲-۱-۲-۴ متن شماره‌ی دو
۷۷	۳-۱-۲-۴ متن شماره‌ی سه
۸۵	۲-۲-۴ باورهای غیرمنطقی و سطحی باورهای عامیانه
۸۵	۱-۲-۲-۴ متن شماره‌ی چهار
۸۸	۳-۲-۴ قضاوت
۸۸	۱-۳-۲-۴ متن شماره‌ی پنج
۹۶	۲-۳-۲-۴ متن شماره‌ی شش
۱۰۵	۳-۳-۲-۴ متن شماره‌ی هفت
۱۱۳	فصل ۵: نتیجه‌گیری
۱۲۰	منابع

فصل ۱: کلیات پژوهش

۱-۱ طرح مسئله

مطالعه‌ی زبان در طول تاریخ از نظر گفتار و نوشتار موضوع مورد علاقه‌ی بسیاری از پژوهش‌گران بوده است. پژوهش حاضر کوششی جزئی در جهت و سمت‌وسوی مطالعه‌ی زبان می‌باشد و به همین خاطر در این راستا به نقد و تحلیل گفتمان فیلم «درباره‌الی» اثر اصغر فرهادی پرداخته می‌شود و بررسی گفتمان‌هایی مورد نظر است که به هر روش جایگاه زن را در فیلم مورد توجه قرار داده است. توجه به جایگاه «زن» و نقش او در جامعه‌ی ایران به تازگی اهمیت ویژه‌ای یافته است. به همین سبب ظاهراً مردم علاقه پیدا کرده‌اند، راجع به این مسئله دانش بیشتری کسب کنند. شاید بتوان گفت فیلم‌های ایرانی نیز جایگاه بسیار خوبی برای بررسی نقش «زن» با توجه به نوع گفتمان‌های مورد استفاده توسط آنها خواهد بود. توجه به گفتمان‌های «زن» و «مرد» و دقیق شدن در نوع بیان، نوع واژه‌های بکاررفته در بیان «زن» و «مرد»، و حتی قشرهای مختلف زنان از هر سطح و هر فرهنگی، دارای ارزش تحلیلی ویژه‌ای از دیدگاه تحلیل انتقادی است. سینما مخلوطی از عملکرد نماد و نشانه و گفتمان است و گفتمان‌های بکار رفته در هر فیلم به شکلی ویژه‌تر نماینده‌ی دیدگاه نویسنده و کارگردان نسبت به جامعه است و آنچه در گفته‌ی شخصیت‌های فیلم می‌آید خود بازگوینده‌ی بسیاری رفتارها و گفتارهایی آشنا است که جامعه آن را بدون چون و چرا پذیرفته است.

۱-۲ مقدمه

تحلیل گفتمان گرایشی بینارشته‌ای است. بدین معنا که از علوم گوناگونی همچون هرمنوتیک^۱، ساختارگرایی، شالوده‌شکنی و ... الهام گرفته است. فرکلان^۲ در تعریف تحلیل انتقادی گفتمان^۳

^۱ - Hermeneutics

^۲ - Fairclough

^۳ - Critical discourse analysis

می‌گوید: "تحلیل گفتمان^۱ یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرآیندهای تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این گرایش به دلیل بین‌رشته‌ای بودن خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد" (فرکلاف، ۱۹۸۵/۱۳۷۹: ۷).

در زمینه‌ی تحلیل گفتمان فیلم، کارهای گوناگونی انجام شده است که شرح آنها در بخش پیشینه خواهد آمد. رساله‌ی حاضر دارای ویژگی‌های مشترک بسیاری با پایان‌نامه‌های انجام شده در این باره می‌باشد و با هدف تحلیل گفتمان فیلم «درباره‌الی» ساخته‌ی اصغر فرهادی به نگارش درمی‌آید. اصغر فرهادی فیلم‌ساز سینمای ایران در دهه‌ی ۸۰ است؛ مسیری که فرهادی طی کرده است، از «رقص در غبار» و «شهر زیبا» شروع شده تا سه‌گانه‌ی «چهارشنبه‌سوری»، «درباره‌الی» و «جدایی نادر از سیمین» ادامه می‌یابد. (بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد که فیلم «درباره‌الی» دارای نکته‌های قابل توجهی از نظر گفتمانی به منظور تحلیل می‌باشد. تحلیل گفتمان و نشانه‌های زبانشناختی به کار رفته در فیلم «درباره‌الی» ناگفته‌های بسیاری را آشکار می‌نماید، البته آشنایی‌زدایی از گفته‌ها و کشف ناگفته‌ها و نشانه‌ها می‌تواند، تصویری زنده و پویا از برداشت‌های کنونی مردم و نوع نگاه ایشان به دیگران، نوع قضاوتها درباره‌ی دیگران به ویژه قشر زن را به نمایش بگذارد.

^۱ - discourse analysis

۳-۱ پرسش‌های پژوهش

نگارنده قصد دارد که با برجسته‌سازی بسیاری از گفت‌وگوهای طبیعی موجود در فیلم، نوع نگاهی را تحلیل کند که فرهادی آن را کارگردانی نموده است و قضاوت به تصویر درآمده را در فیلم نسبت به زن و مرد با روش تحلیل گفت‌وگو انتقادی از نگاه فرکلاف بررسی نماید-در چارچوب نظری پژوهش بر این نکته تاکید شده است، که فرکلاف در نظریه‌ی خود به جنبه‌های اجتماعی تحلیل انتقادی توجه ویژه‌ای دارد و این موضوع دلیل تاکید بر دیدگاه اجتماعی فرکلاف در این تحلیل گفت‌وگو می‌باشد. در نهایت پاسخی برای پرسش‌های خویش بیابد:

- ۱- اگر جای شخصیت‌های زن و مرد فیلم عوض شود نوع قضاوت‌ها چگونه خواهد بود؟
- ۲- آیا گفت‌وگوهای بکار رفته در متن فیلم جایگاه زن و مرد را یکسان به تصویر می‌کشد؟

۴-۱ فرضیه‌های پژوهش

با مطالعه‌ی آثار مربوط به کارهای پست‌مدرنیستی و مولفه‌های مخصوص آن می‌توانیم بگوییم اصغر فرهادی با زیرکی تمام موضوع قضاوت و نوع نگرش انسانها به دیگران را در رفتار و گفتار بازیگران فیلم با توسل به شیوه‌ی پست‌مدرنیستی گنجانده است و تحلیل‌گر در این رساله می‌خواهد موضوع قضاوت و رفتار و گفتار سطحی‌نگرانه‌ی مردم نسبت به یکدیگر را از طریق تحلیل (اجتماعی) گفت‌وگو با نگاهی به دیدگاه فرکلاف-که دیدی اجتماعی به تحلیل و کارکرد گفت‌وگو دارد- مورد تحلیل قرار داده و بررسی نماید و فرضیه‌های خویش را در این‌باره ارزیابی کند.

- ۱- اگر شخصیت اصلی فیلم که یک زن است، یک مرد باشد، احتمالاً نوع نگاه‌ها تغییر می‌کند.
- ۲- جایگاه زن و مرد در این فیلم یکسان به تصویر کشیده نشده است و زنان نسبت به مردان سطحی‌نگرتر نشان داده شده‌اند.

۱-۵ ضرورت، هدف و نوآوری پژوهش

مطالعات میان رشته‌ای بی‌شک در محک‌زدن و غنای نظریه‌ی زبانشناسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. سینمای داستانی در واقع بافت موقعیتی است که زبان در آن رخ می‌دهد. مطالعه‌ی گفتمان سینمایی هر چند که بی‌سابقه نیست ولی جای کار بسیار دارد و می‌تواند موضوعی مناسب و بدیع در مطالعات زبانشناسی محسوب گردد.

همان‌گونه که در فصل سوم اشاره خواهد شد، فیلم مورد بحث توانسته است مخاطبان بسیار زیادی را به سمت خود جذب کند و به همین ترتیب نقدهای بسیار فراوانی از این فیلم در پایگاه‌های اینترنتی، مجله‌های سینمایی و دیگر نشریه‌ها ارائه شده است. ولی نقد این فیلم تاکنون از دید تحلیل گفتمان صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد، انجام این تحلیل با هدف و روشی متفاوت از روش‌های یادشده مفید و راهگشای منتقدان و پژوهشگران، فیلمسازان و غیره در این زمینه خواهد بود.

همچنین پژوهش حاضر از آن جهت دارای اهمیت است که مواردی همچون تاثیر روابط جنسیت و موقعیت در جامعه را تشریح کرده و بیان می‌کند که این روابط معمولاً تحت تاثیر موقعیت اجتماعی و منفعت افراد شکل گرفته‌اند. علاوه بر این تصور نگارنده بر این است که نگاه به زن و نقش فرهنگی او در جامعه کاملاً متفاوت بوده و این نگاه همسطح و یکسان نمی‌باشد. نگارنده چنین فیلمی را انتخاب کرده است تا به بررسی موردی فرضیه‌های خویش درباره‌ی باورها، نوع نگاه به زن و موضوع قضاوت بپردازد. جایگاه و منش زنان در این فیلم با نقشهای مختلف بازیگران به تصویر درآمده است که فرضیه‌های یادشده را در شخصیت‌ها و نقش‌های آنان می‌توان ارزیابی و در نهایت تائید یا رد نمود. توجه به گفتار و لحن و حالات گوینده تاثیر مستقیم بر درک مخاطب و برداشت او دارد. با در نظرگرفتن تحلیل گفتمان و ویژگی‌هایی که در قسمت بحث اصلی ارائه خواهد شد، فیلمنامه‌نویس به سمت و سوی نگاشتن فیلمنامه‌های پربهتر پیش خواهد رفت و از اتلاف کلام بیهوده و بی‌هدف در جای جای فیلم جلوگیری خواهد نمود.

پس از اکران این فیلم نوشته‌های انتقادی درباره‌ی «درباره‌الی» از دیدگاه‌های بسیار مختلف و با نظرهای مختلف درباره‌ی نام «الی»، رویدادهای فیلم و سرنوشت «الی» و هدف نویسنده از چنین فیلمی بسیار فراوان صورت گرفت، که در بخش پیشینه به برخی از آنها اشاره شده است. اما تحلیل گفتمان این فیلم به ویژه از دید فرهنگی و اجتماعی با موضوع قضاوت تابحال صورت نگرفته است.

این نوع تازه‌ی تحلیل (تحلیل گفتمان)، دیدگاهی تازه فراروی فیلمنامه‌نویسان و تهیه‌کنندگان و در کل تمامی کسانی قرار می‌دهد که به نوعی با تولید فیلم و یا هرگونه ابزاری در ارتباطند که به کار عموم مردم می‌آید و نوعی رسانه‌ی جمعی محسوب می‌شود. توجه به گفتمان‌های مورد نظر نویسنده و کارگردان این فیلم بسیار حایز اهمیت می‌باشد که پژوهشگر قصد دارد این گفته‌ها را برجسته ساخته و نوع نگاه مردم به فیلم را تغییر دهد.

هدف: گسترش دامنه‌ی دیدگاه‌های زبان‌شناسی در حوزه‌ی تحلیل انتقادی گفتمان با مطالعات سینمایی و تجزیه و تحلیل گفتمان سینمایی یکی از هدف‌های مورد نظر پژوهشگر می‌باشد. امید است که با بهره‌گیری از نظریه‌های زبان‌شناسی به غنای هر چه بیشتر مطالعات زبانی در حوزه‌های میان رشته‌ای از جمله مطالعات سینمایی کمک شود. به همین دلیل موقعیت‌های مختلف موجود در این فیلم زمینه‌ی مناسبی برای چنین بررسی‌هایی را فراهم می‌نماید، زیرا حضور و گفتمان یک انسان از قشر زنان در موقعیتی نسبتاً نامتناسب و یا شاید بتوان گفت موقعیتی تازه در جمعی غریب سوءتفاهم-ها و گفتمان‌های مختلفی را به همراه دارد که بررسی آنها بی‌فایده نمی‌باشد.

کاربرد: کسانی که می‌توانند از نتیجه‌ی این پایان‌نامه استفاده کنند شامل دانشجویان زبان‌شناسی، دانشجویان کارگردانی و به طور کلی تمامی دانشجویان و دست‌اندرکاران تهیه و تولید فیلم، منتقدان فیلم و سینما و پژوهندگان جامعه‌شناسی و دیگر علاقمندان می‌شود. با بهره‌بردن از علم زبان‌شناسی و استفاده از راهکارهایی که این دانش ارائه داده است، می‌توان به دانش زبان‌شناسی و فیلم‌نامه‌نویسی و منتقدان فیلم و نویسندگان کمک نمود تا هر چه بهتر از نتیجه‌ی پژوهش‌های این چنین بهره‌برده و بتوانند جایگاه فیلم‌سازی و فیلم‌نامه‌نویسی و روش برتر کاربرد نشانه‌ها در فیلم و داستان را بیاموزند و بکار گیرند.

۱-۶ روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که پس از مطالعه‌ی کتابها، نشریه‌های علمی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مربوط به تحلیل گفتمان و سپس گردآوری داده‌ها، آرا و اطلاعات طبقه‌بندی شده صورت گرفته است. مرحله‌ی بعدی مشاهده‌ی دقیق فیلم بصورت مکرر و توجه به گفتمان‌های انجام شده در فیلم می‌باشد و سپس با توجه به پرسش پژوهش و فرضیه‌های مربوط، گفتمان‌هایی انتخاب می‌گردد که به نوعی قضاوت و یا اعمال و رفتار سطحی‌نگرانه در آن‌ها روی داده باشد و این مورد از زبان «زن» و «مرد» ایفاکننده‌ی نقش در این فیلم بیان شود و پس از آن در پیکره‌ی پژوهش فیلم «درباره‌الی» مشخصات متن بر اساس تحلیل گفتمان به صورت تحلیل کلان و خرد زبانی و نشانه‌های موجود در فیلم بررسی خواهد شد. دقت در گفتمان‌ها برای بررسی فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش در زمینه‌ی قضاوت و سطحی‌نگری بسیار مهم است. نوع گفته و لحن ایشان همراه با موقعیتی که در آن هستند، نشان از ناگفته‌های دیگری دارد که تحلیل‌گر با بررسی دقیق این نشانه‌ها را بیرون کشیده و به نگارش درمی‌آورد. بررسی دیدگاه‌های مختلف برای یافتن نظرپردازی که دیدگاه او به نظریه‌های اجتماعی نزدیک‌تر از دیگر نظرپردازان باشد، بخشی دیگر از مطالعات نگارنده را شامل شده که پس از بررسی و مطالعه‌ی لازم نظریه‌های نورمن فرکلاف مناسب روش تحلیل در این پژوهش به نظر رسیده است.

واحد تحلیل در این پژوهش گفته‌های فیلم «درباره‌الی» است و در تحلیل آن‌ها از ابزارهای زبانی و تحلیل‌های صاحب‌نظران در این زمینه علاوه بر نظریه‌های فرکلاف از دیدگاه لاکلاو^۱ و موف^۲ و همچنین از دیدگاه دیگر استادان و پژوهندگان در این حیطه از جمله بهرام‌پور، آقاگل‌زاده، یارمحمدی و... استفاده گردیده تا تجزیه و تحلیل معناشناختی گفتمان نیز صورت گیرد و بعد عاطفی آن به ویژه مورد توجه قرار گیرد. نگارنده‌ی این پایان‌نامه با توجه به محیط اجتماعی و محیط اطراف و با تاکید اصلی بر گفتمان قصد بیان پیامهای نهفته و آشکار در این فیلم (درباره‌الی) را دارد و معتقد است که تحلیل و تجزیه‌ی آنها سودمند و مفید می‌باشد. شایان گفتن است که در نهایت ثبت منابع بر اساس

^۱ - Laclau

^۲ - Muffe

کتاب «آیین نگارش مقاله علمی- پژوهشی» اثر محمود فتوحی صورت گرفت. در بعضی موارد منابع مورد استفاده دارای برخی اطلاعات برای ذکر در بخش مراجع نداشتند که ترجیح داده شده است با نشانه‌ی [?] به آنها اشاره گردد.

۷-۱- مبانی نظری

در زیر تعریف برخی اصطلاح‌ها و واژگان کلیدی ارائه می‌گردد:

انسجام: به نظر هالییدی^۱ و حسن^۲ انسجام عبارت است از ابزارهای زبانشناختی گوناگون اعم از دستوری، واژگانی و معنایی که باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر می‌شوند و در قالب واحدهای بزرگتر چون بند به هم متصل می‌شوند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸).

ایدئولوژی: "آلتوسر ایدئولوژی را نظامی از بازنمایی‌ها تعریف می‌کند که با ساختن روابط اجتماعی و خیالی افراد و میان افراد و فرماسیون‌های اجتماعی رابطه‌ی حقیقی ما را با یکدیگر در جامعه پنهان نگه می‌دارد. وی می‌افزاید که ایدئولوژی شناختی تحریف شده از روابط اجتماعی واقعی است" (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۳۹).

ایدئولوژی از نظر فرکلاف عبارت است از "معنا در خدمت قدرت" و شرزر^۳ معتقد است بنیانگذار ایدئولوژی طبقه‌ی حاکم است، و به گونه‌ای طبیعی و معقول آن را در بین مردم سازماندهی کرده و بر آنها حکومت می‌کند (جانستون، ۲۰۰۸: ۵۴).

نظم گفتمانی: "گفتمان‌های متفاوت، نظام‌های متفاوتی می‌سازند. امکانات لازم برای معنی، جفت‌وجور و محکم می‌شوند و به کمک موضع اجتماعی و نهادینی که گفتمان از آن برمی‌خیزد (و نه از طریق ساختار اصطلاح‌ها و تعبیرهای مثبت) در قالب معناهای معینی قرار می‌گیرند (یا معناهای مشخصی

^۱ - Halliday

^۲ - Halliday & Hassan

^۳ - Sherzer

پیدا می‌کنند): واژه‌ها، تعبیرها، اصطلاح‌ها، فرضیه‌ها و نظایر آن برحسب موضعی که توسط کارورزان یا استفاده‌کنندگان آنها اتخاذ می‌شود، معنای خود را تغییر می‌دهند" (مک دانل^۱، ۱۳۷۷: ۴۱).

دانش زمینه‌ای: جنبه‌های مختلف اطلاعات زمینه‌ای را که در تعامل بر اساس آنها عمل می‌شود-باورها و ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و نیز دانش در معنای واقعی کلمه- را به دانش تبدیل می‌کند. دانش به واقعیت‌هایی که باید شناخته شوند اشاره دارد(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۳).

۸-۱ طرح کلی پایان نامه

پایان‌نامه‌ی حاضر دارای طرح کلی زیر خواهد بود:

فصل اول؛ مقدمه(کلیات پژوهش): این فصل شامل کلیاتی درباره‌ی تحلیل گفتمان می‌باشد. مسئله-ی پژوهش طرح و توصیف شده پرسشهای پژوهش و فرضیه‌های تبیین شده و هدف از پژوهش و کاربرد آن نیز شرح داده خواهد شد.

فصل دوم؛ پیشینه‌ی نظری: در این فصل نظریه‌های نظرپردازان در زمینه‌ی تحلیل گفتمان (انتقادی و اجتماعی) از جمله فرکلاف، ون دایک^۲، موف^۳، لاکلاو و... ارائه شده و درباره‌ی هر یک از این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها توضیحاتی ارائه خواهد شد.

فصل سوم؛ پیشینه‌ی عملی: مربوط به کارهای عملی و بیشتر پایان نامه‌ها و کتاب‌هایی است که در این زمینه نوشته شده و به تحلیل گفتمان پرداخته‌اند. نشریات سینمایی و نقدهای اینترنتی که به طور خاص به موضوع نقد فیلم «درباره‌الی» پرداخته‌اند، نیز در این بخش بیان خواهند گردید.

¹ - mc Donell

² -Van Dijk

³ -Muffe

فصل چهارم؛ تحلیل: انتخاب و گزینش قسمت‌های خاص از فیلم‌نامه و بحث و بررسی و همچنین تحلیل گفتمانی این قسمت‌های انتخابی در این فصل انجام خواهد گردید. از آنجا که پرسش‌های این پایان‌نامه، مربوط به امور و روابط اجتماعی است، انتخاب دیدگاه فرکلاف که به کارکرد اجتماعی زبان می‌پردازد، مناسب به نظر رسیده و تحلیل گفتمان بر مبنای دیدگاه وی صورت خواهد گرفت.

فصل پنجم؛ دستاوردهای پژوهش: به نتیجه‌ی نهایی و پاسخ‌دهی به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای پایان‌نامه می‌پردازد و ارزیابی نهایی درباره‌ی این پرسش‌ها را ارائه خواهد داد.

فصل ۲: پیشینه‌ی نظری

۱-۲ مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ را می‌توان همان تحلیل متن یا گفتار در بافت و یا هنگام کاربرد آن دانست. در واقع می‌شود به تحلیل گفتمان به عنوان روشی در زبان‌شناسی توجه نمود که قصد دارد زبان را در بافتی که به کار می‌رود مورد بررسی قرار دهد و یا هدفی را که در پس گفته یا نوشته پنهان است، نمایان سازد. بنابراین می‌توان گفت تحلیل گفتمان با چیزی فراتر از جمله سر و کار دارد. یا اینکه تحلیل گفتمان را می‌توان به معنای آشکارسازی معنای زیرین و تجزیه و تحلیل معناهای همراه یک متن دانست، که این متن می‌تواند به صورت نوشته یا پاره گفتار باشد. یول و براون در «تحلیل انتقادی گفتمان»، تحلیل گفتمان را چنین توصیف کرده‌اند: "تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند" (یول و براون،^۲ ۱۹۸۹: ۱).

"واژه‌ی گفتمان که سابقه‌ی آن بنا بر برخی منابع، به قرن ۱۴ میلادی برمی‌گردد، از واژه‌ی فرانسوی *discourse* و لاتین *discursus* به معنی گفتگو، محاوره، گفتار و از واژه‌ی *discursum* به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و ... گرفته شده است" (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). این واژه را در طی زمان پژوهندگان رشته‌های مختلف با معانی متفاوت، ولی نزدیک به هم به کار برده‌اند؛ اما به گفته‌ی "تئون‌ای ون دایک" مفهوم آن مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم می‌باشد" (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۵). بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و مطالعه‌ی منابع مربوط از ابتدا بیشتر توجه‌ها به تحلیل گفتمان صورت گرایانه بوده و فقط به متن و ساختار متن می‌پرداخته‌اند، به بیان دیگر همه‌ی دیدها ساخت‌گرایانه بود و به معنای موجود در متن، کارکرد آن و واحدهای زبانی هیچگونه توجهی نمی‌شد. اصطلاح «تحلیل گفتمان»، نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در

^۱ - Discourse analysis

^۲ - G. Yule & G. Brown

مقاله ای از زبان شناس معروف انگلیسی «زلیگ هریس^۱» به کار رفته است (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۸۷). زلیگ هریس در این مقاله، دیدی صورت گرایانه از «جمله» به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. علاوه بر نکته‌های یاد شده تحلیل گفتمان دارای رویکردهای مختلف است که می‌توان دو رویکرد انتقادی و اجتماعی آن را از یکدیگر مجزا و از دیگر رویکردها متمایز نمود. "روش تحلیل گفتمان در بستر اندیشه‌های پست‌مدرن بسط و گسترش یافته است این روش دارای رویکردهای گوناگونی همچون رویکرد «ساختارگرایانه، کارکردگرایانه، تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد پساساختارگرایانه (دیرینه‌شناسی و تبارشناسی) و تحلیل گفتمان لاکلاو و موف» می‌باشد از این رو تمامی رویکردهای «تحلیل گفتمانی» در بستر هستی‌شناسی^۲ و معرفت‌شناسی^۳ و روش‌شناسی - که به دلیل فلسفی بودن تعریف این سه، از بسط آنها در اینجا خودداری می‌گردد - پسامدرنیستی قابل درک است" (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۷۹). هرچند گفتمان مسئله‌ای زبانی است، اما با توجه به غنی بودن بار اطلاعاتی آن در دیگر رشته‌های علوم انسانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. جامعه‌شناسان علاقمند به مقولات زبانی با این استدلال که گفتمان، حوزه‌ی ثبتي تحولات اجتماعی و سند رویکرد مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان آن است، گفتمان را حیطه یا حتی مبنای کار خود می‌دانند. جامعه‌شناسان علاقمند به این حوزه، گفتمان را ابزار و تحلیل گفتمانی را روشی در نظر می‌گیرند که می‌توانند مبنای نتیجه‌گیری‌ها و تعمیم‌دهی‌های جامعه‌شناختی قرار گیرند. مردم‌شناسان و قوم‌نگاران، پژوهشگران علوم ارتباطات و نشانه‌شناسی و چندین حوزه‌ی دیگر نیز هر یک به نوعی گفتمان را مرتبط با کار خود معرفی می‌کنند و در نتیجه با رویکرد خاص رشته‌ی خود به آرایه‌ی چارچوب‌های نظری و انباشت دانش می‌پردازند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱).

"تحلیل انتقادی گفتمان خود را به لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند، بلکه خود را رویکردی انتقادی به شمار می‌آورد که به لحاظ سیاسی متعهد به تغییر است. رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی تحت عنوان رهایی‌بخشی جانب گروه‌های اجتماعی ستم دیده را می‌گیرند. رویکردهای تحلیل گفتمان به

^۱- Z. S. Harris

^۲- Ontology

^۳- Epistemology

گفتمان و ایدئولوژی متفاوت است و برخورداری یا عدم برخورداری آنها از روش تجربی و پیشینه‌ی تاریخی بعد دیگریست که اینها را از یکدیگر مجزا می‌سازد" (یورگنسن و فیلیپس^۱، ۲۰۰۲ / ۱۳۸۹: ۱۱۵).

"در بین رویکردهای مختلف به تحلیل گفتمان انتقادی، پنج ویژگی مشترک وجود دارد. به واسطه‌ی همین ویژگی‌های مشترک است که این رویکردها جزئی از یک جنبش به حساب می‌آیند: نخست اینکه فرایندها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تاحدودی ویژگی زبانی-گفتمانی دارند. دوم؛ گفتمان هم سازنده است و هم ساخته شده، سوم؛ کاربرد زبان باید به نحو تجربی و درون بستر اجتماعی خودش تحلیل شود، چهارم؛ گفتمان کارکردی ایدئولوژیک دارد و در نهایت پنجم اینکه؛ پژوهش انتقادی است، یعنی اینکه خود را به لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند و مصر است که وضعیت موجود را تغییر دهد" (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲ / ۱۳۸۹: ۱۱۵).

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مفهوم کارکردگرایی و نقش‌گرایی ظهور پیدا کرد که از آن پس گفتار و هرگونه محیطی که گفتار در آن روی دهد (بافت)، مورد توجه قرار گرفت. البته بافت نیز خود محیط‌های مختلفی را دربرمی‌گرفت که در آن زمان به آنها اشاره گردید و تاثیرگذاری آن محیط‌ها یا همان «بافت» بر نوع گفتمان نیز مورد بحث قرار گرفت. از دل این تاثیرگذاری‌ها و برداشت‌های متفاوت بحث ایدئولوژی شکل گرفت که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

زبان‌شناسان در مطالعه‌ی تحلیل گفتمان دو دیدگاه را مطرح کرده‌اند: "نخست دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگتر از جمله تعریف می‌کند، دیگری دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می‌داند. دیدگاه اول به شکل و صورت متن توجه می‌کند، صورت‌گرا یا ساخت‌گرا نام می‌گیرد و دیدگاه دوم که به نقش و کارکرد متن توجه دارد کارکردگرا نام می‌پذیرد. ساختارگرایان، گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌دانند که بزرگتر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها تعریف می‌کنند. از نظر اینان زبان پدیده-

^۱ - Jorgensen & Philips

ای ذهنی است و ذهن انسان را می‌توان براساس طبقات نمادین انتزاعی و بافت‌آزاد^۱ توصیف کرد، که به طور مرتب تعریف می‌شوند. ساختارگرایان بیشتر به مطالعه سازمان زنجیره و هم‌نشینی و رابطه صورت‌های واحدها با یکدیگر مشغولند. کارکردگرایان که به بافت، تحلیل و شناخت آن تأکید می‌ورزند؛ زبان را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و معتقدند که زبان قسمتی از جامعه است و پدیده‌های زبانی اجتماعی‌اند و پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های زبانی محسوب می‌شوند. کارکردگرایان به اعمال انجام شده توسط مردم یا مقاصد معینی که در به کارگیری زبان وجود دارد توجه می‌کنند و سعی دارند معانی اجتماعی، فرهنگی و شخصی آن را بشناسند و آنها را توجیه کنند^۲ (شایسته پیران، ۱۳۷۵: ۹). پژوهشگران و صاحب‌نظران بسیاری در زمینه‌ی تحلیل انتقادی گفتمان، نظریه داده‌اند و دیدگاه‌های خویش را در این باره با توجه به جهت‌گیری‌های فکری و اندیشه‌ای خویش ارائه کرده‌اند که در زیر به بیان چند نظریه و دیدگاه می‌پردازیم. از آنجاکه چارچوب کلی این پژوهش مبنی بر یافتن پاسخی برای پرسش و فرضیه‌های مطرح شده می‌باشد و این پرسش‌ها و پاسخ آنها دارای درونمایه‌ی اجتماعی هستند، تأکید بر بهره‌بری از راهکارها و روش «نورمن فرکلاف» مناسب می‌نماید. البته استفاده از نظریه و دیدگاه‌های دیگر صاحبان نظر از جمله «لاکلا» و «موف»^۳، «وداک»^۴، «التوسر»^۵ و... در این زمینه کمابیش در دستور کار قرارداشته و در صورت احساس نیاز و سودمندبودن نظر از آنها نیز استفاده خواهد گردید.

۲-۲ تحلیل انتقادی گفتمان

برخی از صاحب‌نظران «تحلیل گفتمان» به عنوان یک روش و نظریه یاد می‌کنند از جمله «دیوید هوارث»^۵ (۱۳۷۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نظریه گفتمان» به این موضوع پرداخته است و همچنین «صادق حقیقت» که «تحلیل گفتمان را ترکیبی از نظریه و روش دانسته است و بیان کرده

^۱ - Context-free

^۲ - Laclau & Mouffe

^۳ - R. Wodak

^۴ - Altuser

^۵ - David Howarth

است که تحلیل گفتمانی نحله‌های گوناگونی دارد و از این رو گرایش‌های متفاوت با اصول و پیش فرض‌های مختلفی در آن وجود دارد بنابراین هر نحله می‌تواند استلزامات روشی خاص خود را داشته باشد" (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۶۵). در واقع تحلیل انتقادی گفتمان مورد توجه قشر گسترده‌ای از نظرپردازان قرار گرفته است. با این حال در زمینه‌ی تحلیل گفتمان از بعد اجتماعی، موثرترین دیدگاه به «نورمن فرکلاف» اختصاص دارد. فرکلاف چارچوب سودمندی برای تحلیل گفتمان به مثابه کارکرد اجتماعی تدوین کرده است. چارچوب نظری فرکلاف حاوی گستره‌ی متنوعی از مفاهیم است که در یک مدل سه بعدی بیان شده‌اند. توضیح کامل دیدگاه فرکلاف در بخشی جداگانه مربوط به معرفی دیدگاه وی آمده است.

"نکته‌ی مهم رویکرد فرکلاف این می‌باشد که وی معتقد است گفتمان گونه‌ی مهمی از کارکرد اجتماعی است که دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده، تغییر می‌دهد و همزمان سایر کارکردها و ساختارهای اجتماعی به آن شکل می‌دهند. به این ترتیب فرکلاف ساختار اجتماعی را روابط اجتماعی در کل جامعه و نهادهای خاص و درعین حال متشکل از عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی می‌داند" (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲ / ۱۳۸۹: ۱۱۶).

فرکلاف تحلیل متن را بر دو گونه می‌داند: تحلیل زبانشناختی و تحلیل بینامتنی^۱. او بر این باور است که تحلیل زبانشناختی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد که علاوه بر سطوح متعارف آن (نظیر واج‌شناسی، دستور زبان تا حد تحلیل جمله و واژگان و معنا شناسی)، مسایل فراتر از حد جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند، مسایلی همچون انسجام بین جمله‌ای و جنبه‌های گوناگون ساختار متون که مورد بررسی تحلیل‌گران مکالمه قرار می‌گیرد «یکی از این جنبه‌ها ویژگی‌های گفتگو از جمله سازمان‌دهی نوبت در گفتگو است» (فرکلاف، ۱۹۸۵/۱۳۷۹: ۱۲۱).

بینامتنیت یکی از مولفه‌های اصلی تحلیل گفتمان است که نشان می‌دهد متن‌ها چگونه از یکدیگر بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. بینامتنیت بدین معناست که یک متن، بسیاری از ویژگی‌های نوشتاری و مولفه‌های خود را از متن‌های قبل گرفته است و این وام‌گیری را به منظور تاکید بر نکته‌ای خاص

^۱ -Intertextual analysis

صورت دهد. بارت^۱ ویژگی بینامتنیت (ارتباط و تعامل میان متن ها) را برخاسته از خود متن و حتی معنای واژه‌ی متن می‌داند. نخستین کسی که عنوان بینامتنیت را به صورت مجزا و معنای کنونی‌اش ارائه نمود، ژولیا کریستوا^۲ (۱۹۸۶) بود. وی اثر باختین^۳ را به دنیای غرب معرفی کرد. کریستوا اصطلاح بینامتنیت را برای روش‌هایی بکار برد که متن به آنها مربوط بوده و بر اساس آنها دیگر متون و گفتمان‌ها شکل می‌گیرند (جانستون^۴، ۲۰۰۸: ۱۶۴).

"تحلیل زبانشناختی نشان می‌دهد که چگونه متون از نظام‌های زبانی به نحو گزینش‌گرانه بهره می‌گیرند، حال آنکه تحلیل بینامتنی نشان می‌دهد که متون چگونه از نظم‌های گفتمان به نحوی گزینش‌گرانه استفاده می‌کنند- یعنی ترکیب خاصی از روش‌های قراردادی شده «نظیر ژانرهای ادبی یا هنری، گفتمان‌ها، روایت‌ها و غیره» که در شرایط خاص اجتماعی در دسترس مفسران و تولیدکنندگان متون قرار دارد. باختین در نوشته‌هایش به طور مکرر گفته است که تحلیل بینامتنی مکملی ضروری برای تحلیل زبان‌شناختی است و این نظر او اخیراً در بین نشانه‌شناسان اجتماعی، حامیان و طرفداران بسیاری پیدا کرده است. ویژگی‌های بینامتنی یک متن از خلال مشخصه‌های زبانی آن بازشناخته می‌شوند. با پذیرش این دیدگاه درباره‌ی ژانر، که بر اساس آن متن واحد ممکن است کثیری از ژانرها را در خود جای دهد، انتظار می‌رود متن‌ها به لحاظ زبانی ناهمگون باشند، یعنی از عناصری تشکیل شده باشند که سبک‌ها و ارزش‌های معنایی مختلف و گاه متضادی داشته باشند" (فرکلاف، ۱۹۸۵/۱۳۷۹: ۱۲۳).

جانستون به نقل از فرکلاف می‌نویسد: متون می‌توانند آثار و رد دیگر متن‌ها را به شیوه‌های مختلفی در خود داشته باشند، که از تکرار مستقیم متن تا اشاره‌ای مبهم و غیر مستقیم درجه‌بندی می‌شوند. یک متن می‌تواند به متنی دیگر ارجاع دهد و یا اینکه خلاصه‌ای از آن را برگیرد (جانستون، ۲۰۰۸: ۱۶۴).

^۱ - Barret
^۲ - Julia Kristeva
^۳ - Bakhtine
^۴ - Johnston

در همین زمینه نامور مطلق در کتاب خود «بینامتنیت» به دیدگاه بارت اشاره دارد و می‌نویسد "بارت هر متنی را یک بینامتن می‌داند و بینامتنیت که شرط هر متنی است، به هر شکلی که باشد به ارجاع و تاثیر محدود نمی‌شود. بینامتن حوزه‌ی عمومی فرمولهای بی‌نامی است که خاستگاه آنها به ندرت بازشناسی می‌شود. نقل قولهای ناخودآگاهانه یا غیر ارادی: داده‌هایی بدون گیومه در متن حضور دارد؛ نه همانند مسیر یک شبکه‌ی قابل شناسایی و یک تقلید اختیاری، بلکه همانند مسیر پراکندگی-تصویری است که در متن امکان نه یک بازتولید بلکه یک تولید را فراهم می‌آورد" (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

"از دید فرکلاف، گفتمان همان زبان به منزله‌ی کنش اجتماعی است. این تعریف با تعریف گفتمان تحت عنوان کاربرد زبان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. شباهتشان در این است که گفتمان طوری به کار رفته است که به مفهوم قطعه‌ای از زبان به هنگام کاربرد واقعی است و تفاوتشان نیز از دو جهت است، نخست این که زبان به مثابه کنش اجتماعی با کاربرد زبان متفاوت است؛ زیرا در این حالت زبان با دیگر کنش‌های اجتماعی پیوند می‌خورد و صرفاً به مثابه حوزه‌ای متفاوت رها نمی‌شود. دوم تصور می‌شود که فرکلاف برخلاف سنت دو قطبی‌نگری زبان‌شناسی پساسوسوری که در پی یافتن نوعی رابطه بین زبان و اجتماع است، سعی دارد نشان دهد که کاربرد زبان به خودی خود همیشه عملی اجتماعی است. علاوه بر این چنین اعمالی، اعمال فردگرایانه‌ی کاربران زبان در انزوایی زبان شناختی نیز نیستند؛ بلکه تحت حاکمیت شرایط ایدئولوژیک و اجتماعی گسترده‌تر جامعه قرار دارند" (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

با مطالعه‌ی دیدگاه نظرپردازان می‌توان به این نتیجه رسید که تحلیل انتقادی گفتمان واکنشی به خلای موجود در پژوهش‌های توصیفی زبانی است. این نوع تحلیل دستاوردهای توصیفی تحلیل گفتمان را مفید اما کافی نمی‌داند و ادعا دارد که سطح‌های توصیف تحلیل گفتمان باید همان نخستین سطح‌های چارچوب تحلیل جامعه باشند که هدف‌هایش از بیان ویژگی‌های صوری یک متن (گفتمان) بسیار فراتر می‌رود و به نتیجه‌گیری و دریافتهای انتزاعی‌تر و عمیق‌تر می‌رسد.

همچنین می‌توان گفت، در واقع تحلیل انتقادی گفتمان مرکز توجه به جنبه‌های مختلف گفتمان است و از منظر انتقادی ویژگی‌های زبان شناختی، جامعه شناختی، تعاملی و فرهنگی گفتمان را در چارچوبی واضح بیان و تحلیل می‌کند. به عبارت دیگر، به توضیح و ارتباط متن با زیربنای فکری-اجتماعی‌اش می‌پردازد. تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان را یک عمل زبانی در بستر جامعه تعریف می‌کند و معتقد است تحلیل چنین عمل یا رخدادی باید علاوه بر توصیف عنصرهای زبانی موجود در گفتمان به صورت جداگانه، به ارتباط این عنصرها در زمینه‌ی گسترده‌تر خود یعنی در کل گفتمان و نهایتاً در بستر اجتماعی آن بپردازد. بدین ترتیب، پژوهش‌گر نه تنها به سؤال «گفتمان مورد بررسی دارای چه ویژگی‌هایی است؟» می‌پردازد، بلکه به این سؤال که «این ویژگی‌ها چگونه با حوزه‌های جامعه‌شناسانه و اندیشه‌نگارانه‌ی حاکم بر گفتمان ارتباط پیدا می‌کند و چه پیامدی به همراه دارند؟» نیز پاسخ می‌دهد. تحلیل انتقادی گفتمان، به تحلیل خود چارچوبی فرازبان‌شناسانه می‌دهد و در مواردی می‌تواند آن را تبدیل به نقطه‌ی تمرکز مطالعات استراتژیک در حوزه‌های ایدئولوژی سیاسی کند.

۲-۵ دیدگاه و آرای برخی نظریه‌پردازان

پس از زلیگ هریس که به نوعی بنیانگذار روش تحلیل گفتمان می‌باشد، دانشمندان و فیلسوفان بسیاری در این باره نظرپردازی کرده‌اند، که نگارنده دیدگاه برخی از صاحب نظران را با توضیحی کوتاه درباره‌ی دیدگاه‌شان گردآوری نموده است. با وجود اهمیت دیدگاه نورمن فرکلاف در این پژوهش، ترجیح داده شده است که دیدگاه وی پس از دیدگاه میشل فوکو ارائه شود، چرا که وی تحت تاثیر نظریه‌های این فیلسوف قرار داشته است.